

در ساختار جامعه سیاست پایگاه همبستگی تمایلات اجتماعی است. یعنی زمانی جامعه شکل می گیرد که میل و طلب اجتماعی حول یک محور جمع شود. وقتی تمایلات انسان ها حول یک محور جمع می شود آن گاه نخستین مرحله پیدایش جامعه حاصل می شود.

تمایلات اجتماعی برابر با نظام انگیزشی جامعه است، یعنی میل اجتماعی همان کیفیت انگیزش جامعه است. همچنین سیاست، بیانگر بنیان اخلاقی جامعه است یعنی نوع گرایش افراد نشان دهنده کیفیت اخلاق آنها است. بنابراین در نهایت هر گاه اخلاق جامعه رشد کند، وجدان عمومی جامعه نیز به تکامل می رسد. حوزه فرهنگ حوزه پذیرش است و مادامی که جامعه امری را نپذیرد، آن امر جزو فرهنگ جامعه محسوب نمی شود. بسیاری از مفاهیم، روابط اجتماعی و ابزارها وارد جامعه می شوند ولی جریان پیدا نمی کنند. در حوزه اقتصادی فرهنگ در قالب ابزارهای عینی خودنمایی می کند. حوزه اقتصاد دایره وسیعی است که با تمامی ابعاد جامعه ارتباط دارد.

در واقع کارآمدی جامعه فناوری در حوزه اقتصاد معنا پذیر می شود. البته این فناوری می تواند مربوط به حوزه سیاست، فرهنگ و اقتصاد هم باشد. بنابراین اقتصاد پایگاه تعاون اجتماعی است و علاوه بر آن، برابر با نظام تجربه های کاربردی انسان به حساب می آید. نکته قابل توجه در اقتصاد فرهنگ، این است که باید برای تخصیص منابع به این گروه از فعالیت ها از الگوی مناسبی پیروی کرد و برای هر یک از حوزه ها به تناسب همان حوزه هزینه صرف کرد. امروزه شاید یکی از دلایلی که باعث شده ما در مقوله فرهنگ و برنامه ریزی فرهنگی دچار نابسامانی شویم همین مسأله تخصیص هزینه ها در فرهنگ جامعه باشد.

بنابر آنچه گفته شد اگر سه بعد سیاست (در جهت همدلی جوامع) فرهنگ (در جهت همفکری جامعه) و اقتصاد (در جهت مشارکت افراد) در جامعه تحقق پیدا کنند، جامعه به تکامل خواهد رسید، اما اگر جامعه نتواند تفکر خود را به کارآمدی برساند نمی تواند به آرمانهایش عینیت بخشد. به فرض، اگر فرهنگ جامعه ای بر پایه دین معنا شود و اقتصاد آن بر پایه سرمایه و سیاست آن بر مبنای دیگری شکل گیرد، طبیعی است که آن جامعه هیچ گاه به وحدت نمی رسد و دچار تشتت می شود. پس مهم است که هر یک از این سه حوزه از مبنای واحدی نشأت گرفته باشند، زیرا آن مبنای واحد می تواند ضامن وحدت کل جامعه باشد.

زمینه های بحث در اقتصاد فرهنگ:

- ۱- اقتصاد کالاهای فرهنگی
- ۲- اقتصاد نهادهای فرهنگی
- ۳- اقتصاد صنایع فرهنگی
- ۴- رفتار مصرف کننده کالاهای فرهنگی و هنری
- ۵- بازارهای رقابتی خدمات فرهنگی

ابعاد اقتصادی فعالیت های فرهنگی و هنری:

مطالعه نظری ابعاد اقتصادی فعالیت های فرهنگی و هنری متکی بر نظریه اقتصاد خرد است.

تئوری اقتصاد خرد:

۱- رفتار واحدهای انفرادی مصرف کنندگان ، صاحبان منافع و بنگاه های تجاری را در یک اقتصاد آزاد مورد مطالعه قرار می دهد.

۲- اقتصاد خرد دارای یک فرض اساسی است و آن این که هدف واحد های اقتصادی حداکثر کردن منافع اقتصادی در فرآیند مبادلات و دنبال کردن حداکثر سود در بازار است و مصرف کننده نیز در پی حداکثر سازی مطلوبیت ناشی از مصرف کالاها و خدمات است.

۳- درآمد ، سهم بازار، امکانات و محدودیت ها ، درآمد مصرف کننده ، قیمت عوامل تولید، تکنولوژی تولید، سطح تقاضا و عرضه و.. بررسی می شود.

۴- کشش قیمتی یا درآمدی کالاها صرف نظر از نوع آن محاسبه می شود.

بنابر سوال این است که آیا نظریه اقتصاد خرد در حوزه تولید و توزیع کالاهای فرهنگی و هنری قابل تعریف است ؟

جهت گیری های کارکردی در فرهنگ:

جهت گیری های کارکردی در فرهنگ مبتنی بر مهارت ها و فنآوری است که به صورت عیان فرهنگی در جامعه نمود می یابد و شامل موارد زیر است:

۱- کالاهای فرهنگی

۲- نهادهای فرهنگی

۳- صنایع فرهنگی

۱- کالاهای فرهنگی:

ابزار و وسایلی اند که به نیازهای فرهنگی پاسخ می دهند.

سوال: آیا کالاهای فرهنگی از کالاهای اقتصادی متمایز هستند یا همان قاعده کالای اقتصادی بر آن حاکم است؟

آیا معادلات اقتصادی نظیر عرضه ، تقاضا و تولید برای آن ها صدق می نماید؟

دیدگاه ها:

عده ای معتقدند :

۱- در تولید کالاهای فرهنگی انگیزه های فرد گرایانه و نفع شخصی وجود ندارد و کالاهای فرهنگی اساساً با انگیزه های فرهنگی جمع گرایانه تولید می شوند.

۲- پس تفاوت انگیزه وجود دارد و رفتار اقتصادی ناشی از تولید کالای اقتصادی و کالای فرهنگی متفاوت خواهد بود.

۳- بسیاری از کالاهای فرهنگی با انگیزه های غیر منفعت طلبانه تولید می شوند پس نمی توان آثار فرهنگی و هنری را در معادلات اقتصادی مورد مطالعه قرار داد.

ویژگی های فرهنگ مدرن

- از دیدگاه محققان ، فرهنگ مدرن به واسطه تکنیک های جدید تولید می شود و برای کسب سود به بازار مصرف کنندگان کالاهای فرهنگی عرضه می گردد.
- فرهنگ مدرن برای بقای خود نیازمند تولید انبوه و مصرف انبوه می باشد.
- اما فرهنگ اصیل و هنری ، قابل تولید انبوه نیست و اصلاً تولید نمی شود بلکه از شرایط واقعی زندگی نشأت می گیرد.